



Sociology of Education

Investigating the Juridical, Legal, Social and Political Foundations of the General Society's Ownership of Beaches Based on Verses and Traditions

Gholamali Sadeghi¹, Hossein Ahmari^{2*}, Mostafa Rajaipour³

1. PhD student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
2. Associate Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran (Corresponding Author)
3. Associate Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

❖ **Corresponding Author Email:** Ahmari.hosein@yahoo.com

Research Paper

Abstract

Receive: 2023/08/18
Accept: 2023/11/20
Published: 2024/03/16

Keywords:

State Ownership, Coasts, Jurisprudence Rules, Legal Rules, Anfal, Justice

Article Cite:

Sadeghi Gh, Ahmari H, Rajaipour M. (2023). Investigating the Juridical, Legal, Social and Political Foundations of the General Society's Ownership of Beaches Based on Verses and Traditions, Tehran, Sociology of Education. 9(2): 506-514.

One of the main elements of nature, which is the source of human life and is considered as public property in terms of jurisprudence, legal, social, political, Quranic verses and scientific research, is water, which is considered as the vital arteries of every country and as an important part of wealth. National and social, it should be given more attention to the legislators and administrators of this field so that in the fair and optimal use of this divine blessing, both the rights of nature are fulfilled and the rights of the general public as the main owners are observed. The issue of unjust possession and ownership of coasts and marine resources by rich people and those with financial and political power created a necessity to introduce the best jurisprudential and legal rules to solve this problem. In all countries, the legislative authorities design and implement special laws in accordance with their ideological and regional foundations in order to ensure the rights of the general public and the manner of possession and ownership of the seas and coasts. In the Islamic Republic of Iran, laws and regulations have been formulated and are currently being implemented. The question of the current research is whether there are legal and jurisprudential rules in the field of ownership of beaches that are the basis for facilitating and supporting legal rules in the field of public ownership of the society. Based on these rules, can the government own and manage the beaches? Also, to what extent these rules can play their role in protecting and observing moderation in the benefit of the public from this vital and strategic blessing. The present research was prepared by the library method and the analysis of jurisprudence and legal rules of the religion of Islam, the results showed that the correct implementation of: the rule of justice, harmlessness, waste, etc. can create a platform and support domestic and international legal laws. According to Islamic jurisprudence and legal principles, and Quranic reasons and authenticity, beaches are considered as public property (Anfal) and according to Article 1 of the law approved in 1372 by the Islamic Council, the Government of the Islamic Republic, the ownership and responsibility of all matters including protection, setting regulations, And the method of exploitation of the beaches will be at his disposal as a representative of the general public so that justice is achieved.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2022.714063>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0



eISSN: 2322-1445

دوره ۹ شماره ۲ پاییز و زمستان ۱۴۰۲ صفحات ۵۱۴-۵۰۶

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

بررسی مبانی فقهی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی مالکیت عموم جامعه بر سواحل

غلامعلی صادقی^۱، حسین احمدی^{۲*}، مصطفی رجای پور^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

۳. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

✦ ایمیل نویسنده مسئول: ahmari.hosein@yahoo.com

چکیده	مقاله تحقیقاتی
-------	----------------

یکی از عناصر اصلی طبیعت که منشاء حیات انسان است و از لحاظ فقهی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی و ایات قرآنی و تحقیقات علمی به عنوان مالکیت عموم مطرح می‌شود اب است که شریان‌های حیاتی هر کشور محسوب می‌گردد و به عنوان بخشی مهمی از ثروت ملی و اجتماعی، باید بیشتر مورد توجه قانونگذاران و متصدیان این حوزه قرار گیرد تا در استفاده عادلانه و بهینه از این نعمت الهی، هم حق طبیعت ادا شود و هم حقوق عموم مردم بعنوان صاحبان اصلی رعایت شود. مساله تصرف و مالکیت نا عادلانه و غیر منصفانه سواحل و منابع دریایی توسط افراد متمول و صاحبان قدرت مالی و سیاسی ضرورتی ایجاد کرد تا بهترین قوانین و قواعد فقهی و حقوقی را در حل این مساله معرفی شوند. در همه کشورها، مراجع قانون گذار به جهت تأمین حقوق عموم مردم و نحوه تصرف و مالکیت بر دریا ها و سواحل، قوانین خاصی متناسب با مبانی اندیشه ای و منطقه ای خود طراحی و اجرا می‌کنند. در جمهوری اسلامی ایران هم، قوانین و مقرراتی تدوین شده و در حال حاضر اجرا می‌شود. سوال پژوهش حاضر این است که آیا قواعدحقوقی و فقهی در حوزه مالکیت سواحل وجود دارد که بستر ساز و تسهیل گر و حامی قوانین حقوقی در حوزه مالکیت عمومی جامعه باشند. آیا بر اساس این قواعد دولت می‌تواند مالکیت و مدیریت سواحل را بر عهده داشته باشد؟ همچنین این قواعد به چه میزان می‌توانند در حفاظت و رعایت اعتدال در بهره مندی عموم مردم از این نعمت حیاتی و استراتژیک، نقش خود را ایفا کنند. پژوهش حاضر به روش کتابخانه ای و تحلیل قواعد فقهی و حقوقی دین مبین اسلام تهیه شده نتایج نشان داد که اجرای صحیح: قاعده عدالت، لاضرر، اتلاف و..... می‌تواند بستر ساز و حمایت گر قوانین حقوقی داخلی و بین المللی باشد. بر اساس مبانی حقوقی و فقه اسلامی و دلایل قرآنی و روایی سواحل به عنوان اموال عمومی (انفال) محسوب می‌شوند برابر ماده یک قانون مصوب سال ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی، دولت جمهوری اسلامی، مالکیت و مسئولیت تمام امور اعم از حفاظت، تعیین مقررات، و شیوه بهره برداری از سواحل را به عنوان نماینده عموم مردم در اختیار خواهد داشت تا عدالت محقق شود.

دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۷
 پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹
 انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

واژگان کلیدی:

مالکیت دولت، سواحل، قواعد فقهی، قواعد حقوقی، انفال.عدالت

استناد مقاله:

صادقی غ، احمدی ح، رجای پور م. (۱۴۰۲). بررسی مبانی فقهی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی مالکیت عموم جامعه بر سواحل، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. ۹(۲): ۵۱۴-۵۰۶.

<https://doi.org/10.22034/ijes.2022.714063><https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>

Creative Commons: CC BY 4.0

مقدمه

بر اساس تحقیقات علمی و عقل و منطق و اندیشه های اسلامی، منابع آبی از جایگاه بسیار با اهمیت و کاملاً حیاتی در جامعه برخوردار می باشد. آموزه های قرآنی و روایی زیادی داریم که بر ارزش حیاتی آب و دریاها تأکید شده است. این نعمت الهی شامل همه موجودات اعم از گیاهان، حیوانات و بوئی انسان می باشد. قرآن کریم و روایات دینی همه اندیشمندان، دیندار و بی دینان و همه اقوام پیامبران در طول تاریخ را دعوت به تعقل و تدبیر و تفکر در این حوزه نموده است؛ خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره انبیاء می فرماید: «ما هر چیز زنده ای را از آب آفریدیم!» آیات قرآنی که اشاره به نعمتهای که خداوند در دریاها قرار داده و مسخر انسان می باشد و همچنین روایات متعدد از پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) داریم که از دریاها بعنوان شگفت انگیزترین و یکی از اسرار آفرینش خداوند و نشانه قدرت، علم و حکمت آفریدگار معرفی شده است و مخاطبان را به تدبیر و تامل در این آیات تکوین دعوت نموده است که با پیشرفت دانش بشری فهم محتوای آیات الهی آسان شده و توجه دانشمندان علوم تجربی را به بررسی بیشتر آیات قرآنی معطوف نموده. از جمله این آیات: نحل / ۱۴ - الرحمن / ۱۹-۲۲ - یس / ۴۱-۴۳ - فرقان / ۵۳ -

پژوهشگران حوزه حقوق و فقهات در این زمینه تحقیقات علمی انجام دادند که راهگشای موضوع این مقاله خواهند بود از جمله این پژوهشها که پیرامون سواحل انجام گرفته مقاله: ((بررسی مخاطرات طبیعی پیشروی آب دریا در توسعه شهرهای ساحلی)) است. نویسنده مقاله سعی نموده تا مخاطب را با وازه شهرتیشینی، سواحل، مالکیت آشنا نماید و سپس توصیه می کند که مردم با قوانین و فرهنگ شهرتیشینی و نحوه بهره‌مندی از سواحل را بدانند و اشاره می کند که بیشتر شهرهای ساحلی کشور ایران و دیگر کشورها از مناظر شگفت انگیز، غروب های فوق العاده جذاب، آب و هوای دلپذیر، غذای لذیذ و تفریح هیجان انگیز برخوردار هستند و همچنین از داراییها و منابع غنی و ارزشمندی دریاها برخوردار می باشند. اما طی دهه های اخیر بهره برداری نادرست از این منابع ساحلی اغلب مناطق دریایی را با وضعیت بحرانی و خطرناک مثل آب گرفتگی و تخریب تاسیسات مواجه کرده است و این مشکلات، دولت را اخیراً بر آن داشته تا با طرح آزادسازی سواحل باقید حریم برای استفاده عموم و استناد به ابلاغ (توسعه در یا محور) از جانب رهبر انقلاب، شیوه بهره برداری از سواحل برای مجاورین و مسافرین که همواره موضوعی چالش برانگیز بوده، تدوین شود. مالکیت یکی از مفاهیم پایه در فقه اسلامی است که در آن فرد به عنوان صاحب یک ملک شناخته می شود در مکاتب و مذاهب دنیا به طور خاص به موضوع مالکیت سواحل اشاره نشده اما قوانینی دارند که تأثیراتی بر مالکیت سواحل ایفا می کند در اکثر کشورها معمولاً موضوع مالکیت فرق دارد ولی بیشتر مدیریت سواحل را به دولت واگذار می کنند البته نظام سوسیالیستی که یک اندیشه سیاسی اقتصادی است مالکیت خصوصی را قبول ندارد و سرچشمه فساد می داند در حقیقت این پژوهش استناد به آموزه های دینی به بررسی دقیق تر به موضوعاتی چون بررسی؛ (آثار و دلایل فقهی و حقوقی مالکیت، تأثیر مذاهب دینی در قوانین سواحل، تطابق و تفاوت دو دیدگاه فقهی و حقوقی در کنارهم، احترام به مشترکات بین المللی برای کاهش اختلافات، واکاوی اندیشه های مختلف در تشکیل قوانین ساحلی برای شناسایی ایده نو، خطا و تعارضات، نقاط ضعف و قوت، لزوم تنظیم قوانین توأمان فقهی و حقوقی، فرهنگ سازی، نظر به تغییرات اقلیمی در سطح جهان در نتیجه پایین آمدن سطح منابع آبی و کمبود تدریجی این مایع حیاتی و رو آوردن مردم به سمت منابع آبی دریایی، چالشی است که برای نسل امروزی و آینده قابل تصور است، نگرش استفاده عموم مردم به صورت متوازن و مدیریت دولت بر اساس قاعده عدالت از سواحل، و در نهایت وظایف دولت در قبال سواحل) پرداخته که همه این موارد در پژوهش فوق نوآوری و وجه تمایز با دیگر پژوهشها محسوب می شود و نتیجه می گیرد که مالکیت سواحل دریاها در مفاهیم فقهی و مبانی حقوقی با هم تطابق داشته و متعلق به عموم مردمی باشد، ولی دولت بعنوان نماینده جامعه آنها مدیریت می نماید.

در این پژوهش برای ورود به بحث مورد نظر ابتدا وازه های مهم و کلیدی، برای مخاطب تعریف علمی شده است. سپس قواعد فقهی و حقوقی متناسب با موضوع مورد تحقیق معرفی می شود. در نهایت به بررسی و تحلیل میزان تأثیر گذاری این قواعد بر ایجاد شرایط مطلوب و اجرای عدالت همه جانبه در مناطق حاشیه و سواحل دریاها پراخته شده و بر اساس آیات قرآنی و روایات معصومین (ع) این سواحل و ثروتهای دریایی از جمله مصادیق انفال خواهد بود. لذا تصدی گری و مالکیت سواحل به دولت و حاکم اسلامی تعلق می گیرد تا مصالح عموم مردم عادلانه و منصفانه محقق گردد.

در تعریف مالکیت عمومی در بین فقها تقریباً نظرات یکسانی وجود دارد. در کلان موضوع مالکیت عمومی از آن خداوند است ولی به طور امانت نزد بشر، متعلق به همه مسلمانان و در جهت مصالح مردم استفاده می شود امام خمینی (ره): اموال عمومی و انفال و خمس از بیت المال است و رسول (ص) و ائمه (ع) هر یک در عصر خویش متولی تصرف آن بودند. (امام خمینی، البیع، ۲/۲۶۶ و ۳/۲۷) انواع مالکیت عمومی در جامعه اسلامی دو نوع است: نوع اول مالکیت عموم افراد اعم از مسلمان و غیر مسلمان است که شامل مباحات اصلی می شود، مثل زمین های موات، حیوانات حلال گوشت غیر اهلی که همه مردم در آن سهم دارند و هیچکس نمی تواند کسی را از استفاده از آن منع کند. پیامبر (ص) می فرماید: «مردم در سه چیز مشترک اند آتش، آب و گیاه» (محمود بن محمد مظفر، ۱۳۷۰)، در جامعه اسلامی این قسم اموال عمومی در اختیار حکومت قرار دارد و حق نظارت و اشراف برای او محفوظ و می تواند مقرراتی وضع کند که ناظر چگونگی استفاده مردم از این منابع باشد. نوع دوم از اموال عمومی فقط اختصاص به مسلمانان دارد، یعنی همه مسلمانان در آن سهیم هستند. مثل زمین های مفتوح العنوه. این اموال چون به مسلمانان اختصاص دارند، درآمد آن نیز باید در امور مسلمانان صرف شود. زمانی که این اموال دست حکومت اسلامی قرار دارد، حکومت آن را فقط در مصالح مسلمانان مصرف می کند (کریمی، حامد. ۱۳۹۵: ۹).

مالکیتی که فرد یا افرادی اعم از حقیقی یا حقوقی به صورت مشترک یا مفروض مالی را مالک باشند (هادوی‌نیا، ۱۳۸۲). منشأ و خاستگاه مالکیت خصوصی، از رابطه اعتباری یکی از امور تکوینی، یعنی فطرت، عقل و چگونگی زندگی اجتماعی انسان است. قرآن در سوره حدید آیه ۷ با توجه به توحید ربوبی تشریحی، جایگاه رابطه مزبور را با تکیه بر نظریه «جانیشینی و خلیفه‌اللهی» این‌گونه ترسیم می‌کند: «به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده خود در آن قرار داده انفاق کنید؛ زیرا کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند.» امر به انفاق، کشف از پذیرش مالکیت خصوصی دارد که با توجه به توحید تشریحی، از واژه‌های «الله» و «رسول» قابل استنباط است. درباره مالکیت خصوصی به آیات بسیاری استناد شده، اما پذیرفتن مالکیت بشر از سوی خداوند به این معنا نیست که این مالکیت از هر راهی حاصل و تحت هر شرایطی باقی بماند، بلکه مالکیت خصوصی از نظر اسلام ضوابط و مقرراتی دارد که نمی‌توان از آنها عدول کرد. قرآن در سوره نساء آیه ۲۹، دلیل پذیرش این نوع مالکیت از طرف خداوند را چنین مطرح می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید؛ مگر این که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است.»^۲ همچنین با استدلال در سوره بقره، آیات ۲۶۴ و ۲۷۹ و سوره نساء، آیه ۲۹ می‌توان به پذیرش مالکیت خصوصی از جانب خداوند متعال رسید. به همین ترتیب احکام خمس، زکات و صدقه و احکامی که در باب اجاره، جعاله آمده است، اثبات‌کننده حق مالکیت انسان بر اموالش می‌باشد، چرا که انسان تا مالک چیزی نشود، وجوب خمس، زکات و صدقه معنا ندارد. مالکیت دولتی اموالی اند که تصرف و حکومت در آنها مالکانه و جزء انفال^۳ است. طبق ماده ۲ آئین نامه اصلاحی (مصوب ۷۴/۹/۱ هیأت دولت) اموال دولت اموالی است که توسط مجموعه دولت خریداری و یا به طریق قانونی دیگر به تملک در آمده یا در خواهد آمد. بدین ترتیب حقوق دانان با توجه به قوانین، میان اموال دولتی و عمومی تفکیک قائل، به نحوی که تصرف در اموال دولتی مالکانه و بر اساس قانون، قابل انتقال به دیگری است ولی عمومی خیر. (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۳) اموال عمومی و اموال دولتی در عمل هر دو در اختیار حکومت قرار دارد و مردم در هنگام تصرف در این اموال باید قوانین جامعه را در نظر بگیرند و اجازه دولت می‌توانند در آن اموال تصرف کنند. باید به این نکته توجه کرد که عمده تفاوت این دو نوع اموال در نحوه مصرف و مالکیت آنهاست: الف- در اموال عمومی، دولت باید آنها را فقط در مصالح مسلمانان مصرف نماید کسی نمی‌تواند مالک آنها شود. اما اموال دولتی یا انفال چون در اختیار حاکم اسلامی است، استفاده از آن در برآوردن نیازهای فردی و عمومی هر دو جایز است. حتی اگر رهبر صلاح بداند در بعضی موارد آنها را به تملیک فردی خود درآورد. ب- در اموال عمومی، افراد نمی‌توانند آن مال را مالک شوند و حق خصوصی از طریق احیاء یا مانند آن پیدا نمایند، برخلاف اموال دولتی یا انفال، مردم می‌توانند با احیاء، هبه و یا اذن امام (ع) حق خصوصی پیدا کنند.

از منظر فقهی، مالکیت سواحل همچنان موضوعی جدلی است. (محمدیان امیری، ۱۴۰۰). فقهایی مانند محقق حلی (ره)، صاحب جواهر (ره) و همدانی (ره)، سواحل دریاها و رودخانه‌ها را از مصادیق انفال شمرده‌اند و به آن اشاره کرده‌اند. نص خاصی که به صراحت بگوید این زمین‌ها از انفال است، وجود ندارد؛ ولی حکم آن را می‌توان از عموماً دیگر که درباره مصادیق انفال آمده است، بدست آورد. شیخ انصاری (ره) در این باره می‌فرماید: «بعضی‌ها، سواحل دریاها را هم جز انفال می‌دانند مانند محقق (ره) اما دلیلی که به آن واقف باشد، ندارند. پس واجب است که در این مورد به عموماً مراجعه شود.» امام خمینی (ره) نیز سواحل دریاها و رودخانه‌ها را جز انفال می‌داند. ولی آن‌ها را تحت عنوان اراضی بدون مالک قرار می‌دهد و می‌فرماید: «کنار دریاها و رودخانه‌ها از انفال است بلکه هر زمینی که مالکی نداشته باشد اگرچه جز موات نباشد.» اما گروهی دیگر بر این عقیده‌اند که سواحل دریاها یا موات هستند که تحت زمین‌های موات داخل می‌شوند و یا حی هستند که قابلیت انتفاع دارند و جزو انفال است. در کتاب الحجّه اصول کافی تحت باب «أَنَّ الْأَرْضَ كُلَّهَا لِلْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» روایاتی آمده است که دلالت بر این دارد که همه زمین و آنچه در آن است در اصل مال امام (ع) است. در این باب هشت روایت نقل شده که به سه مورد آن اشاره می‌شود.

روایت اول؛ «ابی خالد الکابلی» در این روایت صحیحی از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمود: «در کتاب علی (ع) یافته‌ایم که مراد از این آیه که می‌فرماید: «تحقیقاً زمین ملک خدا است هر کسی را که بخواید وارث زمین می‌گرداند و عاقبت برای پرهیزکاران است» من و اهل بیت من هستیم که خدا ما را وارث زمین گردانیده و ما پرهیزکاران هستیم و زمین تماماً مال ما است، پس هر کس زمینی را احیاء کند و آباد سازد، باید خراج (بدهی از عایدات زمین) را به امام که در خاندان من هست بدهد و

^۱ «أَمْوَالُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ»

^۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ ۚ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

^۳ سوره بقره، آیه ۲۶۱: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

^۴ سوره بقره، آیه ۲۷۹: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»

^۵ سوره نساء، آیه ۲: «وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا»

^۶ انفال در اصطلاح فقهی غنائم و موهبت‌های منقول و غیر منقولی از جانب خداوند برای حاکم اسلامی است. این اموال در جهت تقویت اسلام، مصالح مسلمین و امت اسلامی مصرف می‌شود. مبنای شکل‌گیری این اصطلاح در فقه اسلامی، آیه نخست از سوره انفال در قرآن کریم است که در آن چنین آمده است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» از تو درباره انفال می‌پرسند؛ بگو انفال از آن خدا و رسول (ص) است.

آنچه از درآمد، خود مصرف کرده برای او حلال است» (الکافی، شیخ کلینی، ج: ۱، ۴۰۷). روایت دوم؛ در این روایت که دارای سند صحیحی است، تمام آب‌های دنیا برای امام (ع) دانسته شده است. طبق این نقل امام صادق (ع) می‌فرماید: «جبرئیل با پای خود پنج رود را احداث، و جریان آب او را پیروی کرد؛ فرات و دجله و نیل مصر و مهران و رود بلخ، پس هر چه از آن آبیاری شود از امام، و آن دریایی که جهان را احاطه کرده مال امام است.» (همان، ج: ۱، ۴۰۹). به طور کلی در شریعت اسلامی، سواحل دریاها به چهار نوع مالکیت (دولتی، عمومی، خصوصی و فکری) تقسیم و تحت مالکیت حاکم اسلامی قرار دارند. از روایات مطرح شده به این نتیجه می‌رسیم که اموال منقول و غیر منقول که از مصادیق انفال محسوب می‌شوند در اختیار و مالکیت امام جامعه و دولت اسلامی قرار دارد و حاکم جامعه اسلامی حق تصرف و در نحوه مصرف این اموال می‌تواند اظهار نظر و اعمال نفوذ نماید و در جهت مصالح عموم مردم بکار گیرد. سواحل دریا از جمله این اموال و زمینهای است که بر اساس آیات قرآنی و روایات و اجتهاد علمای دینی از نوع اموال عمومی و انفال محسوب می‌شود و از این قاعده پیروی خواهد کرد.

بر اساس آیات قرآنی و روایات دینی، قواعد حقوقی و فقهی کاربردی در حوزه مالکیت و حق تصرف استخراج شده است. یکی از قواعد محوری و مبنایی قاعده "لا ضرر و لا ضرار" می‌باشد. تعریف قاعده لا ضرر: نفی مشروعیت هرگونه ضرر و ضرار در اسلام. عناوین دیگر آن شامل: قاعده نفی ضرر، قاعده لا ضرر و لا ضرار، قاعده ضرر. این قاعده از قواعد مشهور فقهی است که هم ادله قرآنی دارد و هم ادله روای و هم عقلی. ادله قرآنی مربوط می‌شود به آیه "لا تضاروا بالهوانه ولا مولود له بولده" (بقره ۲۳۳/۱) این آیه مبارکه، مادران و پدران را از ضرر رساندن به فرزندانشان نهی کرده است. بنابر این آیه، ضرر رساندن هرکسی به دیگری، ممنوع و ناروا است. (فرهنگ نامه اصول فقه، ۱۳۸۹، ج: ۱، ۶۲۲) این قاعده به منظور حفاظت از حقوق افراد در جامعه عنوان شده و هدف این قاعده جلوگیری از وارد شدن هرگونه آسیب و ضرر به حقوق افراد از جمله حقوق مردم در بهرمندی از سواحل دریاها می‌باشد. مشهور فقها معتقداند دریاها و سواحل از انفال و در مالکیت حاکم اسلامی و در اختیار رسول (ص) است و پس از او به امام (ع) که مسئولیت رهبری جامعه را بر عهده دارند، می‌رسد. اگر شخص حقیقی یا حقوقی بر سواحل دریاها مسلط شود و برای تامین منافع شخصی خود در آن محدوده دخل و تصرف داشته باشد به منزله تصرف در مال و حقوق دیگران و تضییع منافع دیگران به نفع شخص یا شرکت خواهد بود که موجب نارضایتی و اختلاف و تخاصم بین مردم جامعه یا حتی عامل جنگ بین کشورها خواهد شد. ضرورت دارد این قاعده عقلی، فقهی که بر اساس آیات قرآنی و روایات دینی مطرح شده است جایگاه خود را در محافل حقوقی بین المللی و منطقه ای پیدا کند. لذا بر اساس قاعده لا ضرر، مالکیت خصوصی این بخش از منابع ملی (سواحل دریا) مشروعیت ندارد. در این شرایط، حکومت اسلامی بر اساس انفال بودن این اموال و مناطق می‌تواند محدوده سواحل را به نفع عامه مردم تصرف نماید تا همه مردم بسوی او از آن محیط بهرمنند شوند و از ضرر و زیان احتمالی ممانعت بعمل آید و از هر نوع اختلاف و تضام و تعارض جلوگیری شود.

مفاد این قاعده همان معنای "من اتلف مال الغير فهو له ضامن" یعنی اگر کسی مال غیر را از بین ببرد یا مصرف کند و از صاحب مال اجازه نگیرد، ضامن است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ج: ۱، ص: ۳). مفهوم دیگرش این است که در انجام یک عمل، نه به خود و نه به دیگران آسیبی وارد نشود و در صورتی که انجام یک کار مشکلاتی برای فرد یا دیگران به همراه داشته باشد، نباید آن عمل را اجرا کرد. در مورد مالکیت سواحل دریاها، می‌توان از این قاعده استفاده کرد. بطوریکه اگر اموال و ثروتهای عمومی همچون سواحل دریاها توسط افراد یا شرکتهای خصوصی موجب هدر رفت و تلف شدن این منابع طبیعی شوند، لازم است برای جلوگیری از اتلاف و هدر رفت ثروتهای عمومی به نفع یک نفر و یا شرکت خصوصی، این منابع در اختیار حاکم اسلامی قرار گیرند و در نظام حقوقی و فقهی جزء اموال عمومی تلقی شود و با توجه به لسان قرآنی "انفال" نامیده شوند هرگونه بهره‌برداری از سواحل که منجر به وارد شدن خسارات همچون افزایش خطرات طبیعی، آلودگی و تخریب سواحل دریاها و ایجاد ناسازگاری در مناطق اطراف، شود و عموم مردم دچار ضرر و زیان شوند و منابع طبیعی هدر رفت داشته باشد، دولت اسلامی می‌تواند از قاعده "اتلاف" استفاده نماید و متضررین مالی را مورد حمایت قرار دهد. بنابراین بر اساس مبانی فقه اسلامی نسبت به سلامت و حفظ و حراست از سواحل دریاها، از همه مکانیزمهای قانونی و شرعی باید استفاده کرد تا مردم با فراق بال و اعتماد و اطمینان بیشتر در جامعه اسلامی زندگی کنند و از مواهب الهی عادلانه و منصفانه بهره‌مند شوند و احساس تبعیض و متضرر بودن نکنند و بین ملت و دولت اسلامی وفاق و تفاهم و همنوایی بیشتر حاصل شود. قاعده اتلاف می‌تواند در این حوزه نگرهبان و محافظ حقوق عمومی باشد و تعاون و تفاهم و وحدت ملی را تضمین نماید. حاکم اسلامی وظیفه دفاع از حریم و حرمت و حقوق مردم را بعهده دارد لذا همه مولفه‌های موثر در این حیطة را بکار می‌گیرد تا در جامعه اسلامی منابع ملی و طبیعی که مردم هر سرزمینی از آن سهمی دارند هدر نرود و از تلف شدن آنها جلوگیری نماید.

همانطور که بیان شد مالکیت به معنای کلی، حق اختیار فرد یا گروهی برای مالک و مالکیت مال، دارایی یا هرگونه مورد دیگر است که می‌تواند ارزش اقتصادی داشته باشد. این حق به فرد یا گروهی اجازه می‌دهد که مورد مالکیت خود را در اختیار داشته باشد و از آن بهره‌مندو آن را از دست دیگران محافظت کنند و در هر حوزه که لازم دانست مصرف نماید. مالکیت یک رابطه‌ی اعتباری بین اشخاص و اشیاء است که در قانون اساسی در اصول ۲۲ و ۴۷ مورد توجه و احترام بوده و یکی از عناصری است که در تعیین نوع نظام اقتصادی نقش به‌سزایی دارد.

^۱ مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ (ع): «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ أَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثْنَا اللَّهُ الْأَرْضَ وَ نَحْنُ الْمُتَّقُونَ وَ الْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا فَمَنْ أَحْيَا أَرْضًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَلْيَعْمُرْهَا وَ لِيُؤَدِّ خَرَاجَهَا إِلَى الْإِمَامِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ لَهُ مَا أَكَلَ مِنْهَا»

ساختار مالکیت مختلط که در نظام اقتصاد اسلامی با توجه به آیات قرآن و دیدگاه مفسران، تبیین می‌شود و به رابطه خاص بین مالک و ملک اشاره می‌کند که امکان تصرف مالک در ملک را نشان می‌دهد. این رابطه و سلطه، گاه حقیقی و واقعی است؛ یعنی مالک، سلطه واقعی و حقیقی بر ملک دارد؛ مانند مالکیت خداوند بر مخلوقات و مالکیت انسان بر نفس یا بر صورت ذهنی اشیاء. گاهی نیز این سلطه اعتباری است؛ یعنی بین مالک و ملک فقط رابطه و سلطه‌هایی فرض می‌شود که آنچه جدا و گسیخته از مالک است، به منزله آنچه به او ارتباط دارد، در نظر گرفته شود.

در پیش از انقلاب دو قانون برای حفاظت از ساحل و حریم دریای خزر به تصویب رسید. اولین قانون که بخش مهم آن نیز مربوط به دریای خزر بوده با عنوان «قانون مربوط به اراضی ساحلی» در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۴۶ به تصویب و برای نخستین بار در قوانین کشور موضوع (اراضی مستحده ساحل و حریم دریا) به میان آمد. در ماده یک این قانون آمده بود که اراضی حاصل از پائین رفتن سطح دریای خزر و دریاچه‌ها اراضی مستحده محسوب و متعلق به دولت است و حدود اراضی مستحده در مورد سواحل دریای خزر تا ۱۵۰ سانتی متر ارتفاع از سطح آب دریا در آخرین نقطه مد خواهد بود. در ماده سوم این قانون برای اولین بار حریم دریای خزر را ۶۰ متر از آخرین نقطه مد قرار داده‌اند و این حریم قابل تملک خصوصی نیست. قوانینی که در سال ۱۳۵۴ به تصویب رسید و هنوز هم پابرجاست، می‌گوید چنانچه آب دریای خزر عقب‌نشینی کند و اراضی مستحده جدید پس از این قانون در ساحل ایجاد شود، آن اراضی باید به عرض حریم ۶۰ متر اضافه شود (مهم).

با ظهور انقلاب اسلامی، پس از ۲۲ سال در فصل ۱۲ قانون برنامه ۵ ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در ۱۳۷۹/۱/۱۷ به تصویب رسید، در بخش سیاست‌های زیست محیطی به حریم دریای خزر اشاره و در حد اشاره هم باقی ماند و بحثی از حریم ۶۰ متر نشده است ولی قانون برنامه چهارم اهمیت بیشتری به سواحل داده به طوری که برای اولین بار برنامه تهیه و اجرای مدیریت یکپارچه سواحل دریاها توسط سازمان بنادر و دریا نوردی کنونی در دستور کار قرار گرفت. بنابراین اهمیت حقوق دریاها بی شک بسته به اهمیت واقعی خود دریاها خواهد بود؛ بدین صورت که در گذشته دریاها و اقیانوس‌ها بیشتر به لحاظ راه ارتباطی دارای اهمیت بود ولی امروزه با پیشرفت فن آوری از منابع دریاها، دریاها از اهمیت خاصی برخوردار هستند. براساس آمار موجود در حال حاضر حدود ۷۱ درصد سطح کره زمین را اقیانوس‌ها دربر گرفته و این بستر سرشار از منابع عظیم نفت، گاز، کلوخه‌های معدنی و مواد غذایی می‌باشد.

اما در بحث پیشینه تدوین قواعد حقوقی دریاها، چهار تلاش عمده و مهم در سطح بین‌المللی برای تدوین مبانی حقوقی دریاها صورت گرفته که شامل کنفرانس لاهه در سال ۱۹۳۰، کنفرانس ژنو در سال ۱۹۵۸، کنفرانس ژنو در سال ۱۹۶۰ و کنفرانس نیویورک در سال ۱۹۸۲ بود که در این خصوص بجز کنفرانس ژنو ۱۹۵۸ و کنفرانس نیویورک ۱۹۸۲ بقیه نتایج نداشته‌اند. همچنین در ماده ۶۳ قانون برنامه چهارم آمده که دولت موظف است تا پایان سال ۱۳۸۴ به منظور ساماندهی و جلوگیری از آلودگی و تخریب سواحل با اولویت دریای خزر طرح ساماندهی سواحل را اجرا و نظارت نماید. در حمایت از حقوق سواحل، در سومین کنفرانس سازمان ملل، کنوانسیون تحت عنوان کنوانسیون سازمان ملل متحد که به قانون اساسی دریاها معروف و منبع اصلی حقوق دریاهاست، تشکیل و به امضاء رسید که در حال حاضر ۱۵۷ عضو و ۲۲ کشور آنرا امضاء، اما به تصویب مجالس خود نرسانده‌اند. در جمع بندی مطالب می‌توان چنین عنوان کرد که قوانین مرتبط با سواحل دریاها از نظر کمی، فراوان، ولی در طول زمان تغییر کرده‌اند. به هر حال در تمامی این قوانین بر مالکیت دولت در مورد اراضی ساحلی، تصریح و طبق قوانین داخلی، مالکیت سواحل دریایی در اختیار دولت قرار دارد و این مبانی حقوقی بین‌المللی با مفاهیم فقهی همچون قاعده لاضرر، قاعده عدالت، قاعده اتلاف، قاعده ضمان و..... مطابقت دارد.

همانطور که پیشروی آب دریا مسائلی را مطرح می‌کند، پسروی آب دریاها نیز حائز اهمیت است، اما از آنجایی که در اکثر سیستم‌های حقوقی، مالکیت سواحل معمولاً به دولت یا نهادهای عمومی تعلق دارد و در حقوق بین‌المللی دریاها، اصل عمومیت دریاها مورد توافق قرار گرفته و آب دریاها به عنوان میراث مشترک بشریت در نظر گرفته می‌شود، لذا کشورها نمی‌توانند ادعای خاصی برای مالکیت آب دریاها و سواحل وارد کنند و هر کشوری حق پسروی آب دریاهای مربوط به سواحل خود را در حدود مشخصی که توسط قوانین ملی هر کشور تعیین می‌شود، دارد. بنابراین، پسروی آب دریاها به تنهایی تأثیر کمتری بر مالکیت سواحل دارد و فقط به دولت یا نهادهای عمومی اجازه می‌دهد که حق پسروی آب دریاها را تعیین کنند و منافع عمومی را حفظ کنند. طبق تحقیقات صورت گرفته در گذشته هرگاه زمینی در اثر پسروی یا پیشروی دریا نمایان شود آن زمین میته (موات)^۱ است و دو نظریه برای آن بیان شده است. در نظریه اول بسیاری از فقهاء معتقدند که در اثر احیاء، اراضی میته از مالکیت دولت خارج و جزو امالک خصوصی قرار می‌گیرند و احیاءکننده در حقیقت مالک آن است. نظریه حقوقی دیگری که با «نصوص» بیشتر سازگار است، دلالت بر این دارد که: شکل مالکیت، با عملیات احیاء تغییر نمی‌کند و اراضی همچنان در تملک امام یا حاکم باقی می‌ماند. از این رو هیچ کس با احیاء، مالک رقبه زمین نمی‌شود، بلکه فقط اجازه دارد در آن کار و بهره‌برداری کند و تا وقتی به تولید و بهره‌برداری ادامه می‌دهد، کسی مجاز نیست از فعالیت‌های او مانع کرده و یا زمین را از تصرف خارج سازد. شیخ طوسی (ره) در مبحث جهاد کتاب مسووط این نظریه را پذیرفته و متذکر می‌شود که فرد به سبب احیاء، رقبه، زمین را نمی‌تواند تملک کند، بلکه تنها حق تصرف در آن پیدا می‌کند. به شرطی که مالیات تعیین شده را بپردازد. بر اساس فقه اسلامی چون امام (ع) باذن خداوند مالک و صاحب و خلیفه خدا

^۱ دکتر امامی در تعریف اراضی موات این عبارت را بیان کرده است: «اراضی موات زمین‌هایی هستند که مالک ندارد و از آن‌ها انتفاع برده نمی‌شود، خواه آن‌ها که این امر در اثر نداشتن آب باشد و یا آن‌ها که آب آن‌ها را فرا گرفته باشد و یا نیزار و علف زار و جنگل باشد، در این امر فرقی نمی‌کند که زمین‌های مزبور قبلاً دایر بوده و در اثر اعراض مالکین یا پر شده و یا آن‌ها که هیچ زمان دایر نبوده است.»

در زمین است، اختیار دارد بر طبق مقتضیات اجتماعی و برای حفظ تعادل جمعی از متصرف کننده سواحل بدست آمده از طریق پسرقت و یا پیشروی آب دریا، مالیات اخذ کند و یا از مطالبه آن صرف نظر کند (محمدیان امیری و موسوی انبجدان، ۱۴۰۰).

نگرش مختلف کشورها نسبت به مالکیت سواحل دریاها ممکن است بر اساس نظام حقوقی، فلسفه سیاسی، موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی و نیازهای اقتصادی تفاوت‌های زیادی داشته باشد. که از پنج نوع نگرش به سه نگرش اشاره خواهیم کرد که هر کدام زیر مجموعه‌هایی دارد. **نوع اول:** نگرش ملی و مطلق؛ برخی کشورها به طور مطلق مالکیت سواحل دریاها را به دولت یا ملت خود اختصاص می‌دهند. این کشورها معتقدند که منابع طبیعی ارزشمندی که در سواحل دریاها قرار دارند، به صورت ملی باید مدیریت و استفاده شوند و ممکن است از حقوق استخراج و بهره‌برداری برای تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی خود استفاده کنند. **نگرش ملی محدود:** بعضی کشورها ممکن است مالکیت سواحل دریاها را به دولت یا ملت خود اختصاص دهند، اما اجازه‌های محدودی به شرکت‌ها یا افراد خاص بدهند تا از این منابع استفاده کنند. این کشورها ممکن است برخی از حقوق بهره‌برداری را به تأسیسات توریستی، مصالح ساختمانی، پرورش آبزیان و صنایع مشابه اختصاص دهند. **نگرش اشتراکی:** کشورهایی احتمال دارد نسبت به مالکیت سواحل دریاها رویکرد اشتراکی داشته باشند و به کشورها و مناطق همسایه اجازه دهند که از این منابع مشترک استفاده کنند. این رویکرد معمولاً در مناطقی که مرزهای دریایی مشترک دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌تواند به عنوان یک ابزار برای افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و تقویت روابط بین‌المللی عمل کند. **نگرش اجازه‌ای:** گروهی از کشورها ممکن است مالکیت سواحل دریاها را به شرکت‌ها یا افراد دیگر اجازه دهند تا از این منابع به عنوان یک منبع درآمد مالی استفاده کنند. در این رویکرد، دولت یا ملت ممکن است حقوق بهره‌برداری را به شرکت‌ها یا افرادی که به جهت مالی قادر به بهره‌برداری هستند، اجازه دهند. **نگرش زمینه‌ای:** تعدادی از کشورها ممکن است مالکیت سواحل دریاها را به مالکان زمین‌های نزدیک سواحل اختصاص دهند. این رویکرد بر مبنای ارتباط مستقیم زمین و سواحل دریاها استوار است و به مالکان زمین‌ها اجازه می‌دهد که از منابع سواحل بهره‌برداری کنند.

نوع دوم: نگرش مالکیت دولتی کامل: برخی از کشورها، مالکیت سواحل دریاها را به طور کامل به دولت اختصاص می‌دهند. به این ترتیب، هرچه دریاها و سواحل نزدیک به آب‌های خود کشور قرار دارند، کاملاً متعلق به دولت هستند و تصرف یا مالکیت خصوصی بر روی آن‌ها ممنوع است. **نگرش مالکیت مشترک دولت و عموم مردم:** بخشی از کشورها ممکن است قسمتی از سواحل دریاها را به دولت اختصاص دهند و قسمت دیگر را برای استفاده عموم مردم آزاد بگذارند. این مدل مالکیت مشترک به عنوان "ساحل عمومی" شناخته و مردم می‌توانند به آن دسترسی و از آن بهره‌برداری کنند. **نگرش مالکیت خصوصی:** در برخی دیگر از کشورها، قوانین می‌توانند به شرکت‌ها یا افراد اجازه دهند که قطعاتی از سواحل دریاها را به صورت خصوصی مالکیت کنند. این شرکت‌ها یا افراد ممکن است از این املاک برای استفاده شخصی، تجاری یا توریستی استفاده کنند.

نگرش‌های مشترک میان کشورها: زمین‌های ساحلی که در آب‌های مشترک بین دو کشور واقع شده‌اند، ممکن است موضوع توافقات و قراردادهای بین‌المللی باشند. در این صورت، کشورها احتمال دارد بر اساس توافقات خاص به صورت مشترک مالکیت، بهره‌برداری یا مدیریت این مناطق را بر عهده بگیرند. **نگرش مالکیت مشترک علاقه‌مندان محلی:** در بعضی مناطق، محتمل است افراد یا جوامع محلی، به عنوان افراد محلی که به طور مستقیم در ارتباط با سواحل دریاها قرار دارند، حقوق مالکیت یا بهره‌برداری بر روی آن‌ها را داشته باشند.

نوع سوم: نگرش ملیت‌گرایی: برخی کشورها به عنوان تمامی مالکیت و کنترل بخش‌های سواحل دریایی که به آنها مربوط می‌شود، ادعا می‌کنند. این رویکرد بر مفهوم سرزمین‌های خشکی تمرکز دارد و ادعای اصالت مالکیت را بر اساس حضور سواحل در خاک کشور می‌سنجند. **نگرش آزادی طلبی:** بخشی دیگر از کشورها بر این اصل تأکید دارند که سواحل دریاها مشترک همه کشورها هستند و باید به طور آزاد بهره‌برداری شوند. طرفداران این رویکرد معتقدند که هر کشور فقط حق بهره‌برداری از منابع طبیعی خود را دارد و نباید حقوق اجتماعی و اقتصادی دیگر کشورها را نقض کند. **نگرش نوع‌بندی منابع:** در این رویکرد، سواحل دریاها بر اساس نوع مالکیت، میزان بهره‌برداری و استفاده مختلف منابع، تقسیم‌بندی می‌شوند. مثلاً برخی از کشورها مالکیت منابع طبیعی زیر آبی مانند نفت و گاز را ادعا می‌کنند، اما ممکن است حق بهره‌برداری از سواحل برای کشت و زراعت به دیگران اجازه داده شود. **نگرش قوانین بین‌المللی:** بسیاری از کشورها، بخش‌هایی از سواحل دریاها را بر اساس قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی اداره می‌کنند. این قوانین می‌توانند مرتبط با حقوق دریاها، حقوق محیط‌زیست و توافق‌نامه‌های منطقه‌ای باشند. **نگرش قومیت‌گرایی:** بعضی کشورها با توجه به قومیت و تاریخچه مشترک با سواحل دریاها، به عنوان جزئی از میراث فرهنگی و تاریخی خود، ادعای مالکیت و کنترل بر این مناطق را دارند. هدف از این نگرش‌ها که شامل روش‌های مختلف از جمله دولتی، اشتراکی، مالکان نزدیک سواحل می‌شود، مدیریت بهینه و بهره‌وری مناسب به بهترین وجه از سواحل دریاهاست.

¹ Sovereignty Approach

² Freedom of the Seas Approach

³ Classification Approach

⁴ International Law Approach

⁵ Nationalism Approach

نقش حکومت اسلامی و دولت در مالکیت سواحل همواره باید به گونه‌ای باشد که پاسدار مصالح اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی برای عموم به ویژه طبقه ضعیف جامعه باشد و با ایجاد یک سیاست یکپارچه شرایط بهره‌برداری و بهره‌گیری طبیعی در تمام ابعاد مثل محیط زیست و سواحل دریاها برای اقشار جامعه فراهم نماید تا در سایه عدالت و هدایت به خلاقیت فکری و ذهنی و عملی برسند. وظایف دولت در قبال سواحل دریاها به عنوان یک موضوع گسترده و چند جانبه می‌تواند شامل موارد مختلفی باشد. این وظایف به عنوان بخشی از سیاست‌ها و تدابیر حکومتی در حوزه محیط زیست، اقتصاد، امنیت، حمل و نقل، تجارت بین‌المللی و موارد دیگر تعیین می‌گردد که از جمله آن می‌توان به حفظ و نگهداری و مدیریت سواحل دریاها، مدیریت منابع دریایی، مدیریت تغییرات آب و هوایی، تعیین و اجرای قوانین و مقررات مربوط به حفظ و نگهداری و مدیریت حریم و سواحل دریا، آموزش، فرهنگ سازی و اطلاع رسانی در خصوص آداب درست و مناسب استفاده از سواحل دریاها، توسعه اقتصادی، حراست و حفظ امنیت سواحل، تنظیم راهبردهای گردشگری و اقدامات زیست محیطی اشاره کرد.

بحث و نتیجه گیری

قرآن کریم برای دریاها و سواحل آن اهمیت فراوانی قائل شده است؛ به این صورت که از منظر قرآن، دریا یکی از بزرگترین دلایل خدائشناسی است به نحوی که در قرآن ۴۱ بار واژه (بحر) به کار رفته، و اهمیت این موضوع را در احادیث هم به وضوح مشاهده می‌شود مثلاً در حدیث منقول از پیامبر (ص) که فرمودند: «نگاه کردن به دریا عبادت شمرده خواهد شد.» لذا بحث مالکیت آن نیز از منظر فقهی و حقوقی حائز اهمیت می‌باشد. مالکیت به معنای کلی، حق فرد یا گروهی برای مالک شدن هر گونه دارایی است که می‌تواند ارزش اقتصادی داشته باشد. در فقه اسلامی هم مالکیت رابطه‌ای است اعتباری بین مال و شخص حقوقی یا حقیقی و در کلام فقها نیز مالکیت مفهوم عرفی دارد و شارع مقدس با توجه به همین مفهوم عرفی، احکام و آثاری را بر آن مترتب کرده است. دریاها و سواحل آن نیز جزو مشترکات عمومی و متعلق به همه مردم در نظر گرفته شده است (انفال) که کشورهای مختلف براساس نظام حقوقی، سیاسی مالکیت آن را مورد بحث قرار داده‌اند، مثلاً برخی کشورها سواحل را به دولت، برخی به دولت و ملت، برخی هم به مالکان زمین‌های نزدیک ساحل دریاها اختصاص می‌دهند و نگرش‌های مختلفی مثل ملیت‌گرایی، قومیت‌گرایی را در پیش دارند در این راستا پیشروی و پسروی آب دریاها از نظر فقهی و حقوقی می‌تواند تأثیرات مهمی بر مالکیت سواحل داشته باشد. مثل تغییرات در مالکیت سواحل، تغییر در حق دسترسی به سواحل، مشکلات اقتصادی و اجتماعی که در نهایت تعارضات بین دولت و مالکان را دربردارد. به همین جهت قانون‌گذار موظف است جهت بهره‌برداری عموم مردم از این مشترکات و حفاظت از آن، قوانین، مقررات و محدودیت‌هایی را وضع و اجرا کند که گاهی به شکل ممنوعیت یا محدودیت در مالکیت اشخاص نمود پیدا می‌کند. قواعد فقهی در نظام اسلامی (قاعده عدالت، ضمان، اتلاف، لاضرر....) می‌توانند راهگشای خیلی از تعارضات، نافرمانیها و مانع هدر رفت و نابودی ثروت‌های عمومی همچون سواحل دریاها و منابع طبیعی و ملی شوند. این قواعد می‌تواند، هدایتگر، بستر ساز و حمایت‌گر قوانین و ضوابط حقوقی باشند و نگرش قانونگذاران در حوزه داخلی و بین‌المللی را تغییر دهند و جوامع بشری را از آثار و نتایج عادلانه و منصفانه این قواعد بهره‌مند سازد.

Reference

The Holy Quran.

Allameh Hali, Hasan bin Yusuf bin Motahar Asadi, (1414 AH) Tazkira al-Fiqaha, Qom, Al-Al-Bayt Institute (AS).

Ashuri, Mohammad, Human rights and the concepts of equality, fairness, justice - Tehran, Tehran University Press, 2013.

Bashiri, Abbas, Barati, Ali Akbar, Pourrahim, Maryam, technical conditions and legal conditions of privacy in the applied laws of Iran, third edition, Tehran, Jangal, (2014).

Dashti, Mohammad, translation of Nahj al-Balagheh, Qom, publisher: Amir al-Momenin (AS) Cultural Research Institute, summer 2013, 21st edition

Dehkoda, Ali Akbar, (1377), Tehran, Tehran University Press.

Emami, Seyyed Hassan, civil rights in property, ownership, right of usufruct, right of elevation, obligations in general, volume 1, page 42, Islamiya Publications, 1366.

Fazil Lankarani, Muhammad, Al-Qasas al-Fiqhiyyah, second edition, Qom, Etemad Publications, (1425 AH).

Gharavi Naini, Mirza Mohammad Hossein, (1413 A.H.), Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers, first edition.

Hadavinia, Ali Asghar, (1382), Theoretical foundations of ownership structure from the perspective of the Qur'an: Islamic Economics, third year, number 12.

Haji Alizadeh, Alireza, "Laws and legal issues related to the bed and privacy of rivers and wetlands", the 13th National Conference on Watershed Science and Engineering and the 3rd National Conference on Protection of Natural Resources and Environment with the focus on watershed management and protection of natural resources and environment Life, 2017.

Haqqani Zanjani, Hossein, (1369), Anfal or public wealth/ Types of ownership in Islam and their cases, Journal of Human Sciences, Al-Zahra University (S), No. 3 and 4, page 14-5.

Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah, Kitab al-Bai, first edition, Tehran, Imam Khomeini Institute for editing and publishing works, (1421 AH)

Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah, Kitab al-Bai, first edition, Tehran, Imam Khomeini Editing and Publishing Institute, 2/662 and 3/72

Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah, Tahrir al-Wasila, first edition, Tehran, Imam Khomeini Institute for editing and publishing works, (1421 AH).

Jafari Langroudi, Mohammad Jafar, property rights, Tehran, Ganj Danesh Publications, 1373

Kalini, Muhammad bin Ya'qub, Asul al-Kafi, vol. 1, p. 407, i - Islamic.

Kalini, Muhammad bin Ya'qub, Asul al-Kafi, vol. 1, p. 409, i - Islamic.

Karmi, Hamed, (2015), legal solutions to protect public property. Public Law Knowledge, 5(16), 1-22. <https://sid.ir/paper/267144/fa>

Lauro Pascal, Francois Toal, Keys of Geopolitics, translated by Hassan Sadouq, published by Shahid Beheshti University, 1381.

Mohammadian Amiri, Mahdi, Mousavi Anijdan, Seyed Youssef, "Jurisprudential and legal review of land ownership of individuals, due to the advance of sea water", Contemporary Legal Thought, 1400, 2(1), 19-30.

Mousavi Bojanvardi, Mohammad, Jurisprudential Laws, Tehran, Arouj Publishing House, vol.1, p.3, 1379

Prepared and compiled by the Islamic Information and Documents Center of Qom Seminary, Dictionary of Principles of Jurisprudence, Qom, first edition, spring 2019.

Sufi, Farideh, Analysis of the international law of the seas with a view on Iran's position in the international context, Qonun Yar scientific-legal quarterly, number 4, pages 265-277, (2016). <https://sid.ir/paper/259763/fa>